

هوآلبهی

ای دوستان الهی چون نیر پیمان از مطلع ارادهٔ رحمن ساطع و لامع گردید اهل بصر حدّت نظر یافتند و مشاهدهٔ آیات جلیل اکبر نمودند و چون عاشق دل‌داده واله و حیران جمال پیمان گشتند و در گلشن الطاف یزدان بمشاهدهٔ گل‌های معانی مسرور و مستبشر گردیدند ولی ضعیف‌چشمان چون خفّاشان از شعاع ساطع پیمان افسرده و مانده و مخمود گشتند یکی گفت این پیمان شعاع است نه آفتاب دیگر گفت چشمهٔ کم‌آبست نه دریای آب دیگری گفت وهم و سراب است و رؤیا و خواب باری هر یک بغرضی زمزمه‌ئی نمود و دمدمه‌ئی در سرّ خفا انداخت عنقریب ملاحظه فرمائید که اهل فتور کل خائب و خاسر و اهل ثبوت با وجهی باهر و رخی روشن در هر انجمن محشور گردند سبحان‌اللّه کل بیقین میدانند که حصن حصین قلعهٔ میثاق است و بنیان سائر عنقریب مه‌دوم و خراب عاقبت آفتاب عهد چنان شرق و غرب را گرم نماید که این خفّاشان چون اضعف موجود در ارض معسور و محشور گردند و از حسرت و پشیمانی شب و روز همدم ناله و فغان شوند و الحمد لله ربّ العالمین

ع ع